لزوم تفکیک ساعت محلی با ساعت جهانی برای فهم تشخص تقویم جهانی

(21:45)

نکته مهم این است که علی ای حال کره زمین، ساعت محلی دارد. وقتی در زمین ساعت محلی فرض می‌گیریم، ساعت محلی سیاسی و منطقه‌ای که یک قاچی در نظر می‌گیرند، باز باldقه محلی نیست، در آن جا باز یک قراردادی هست. در کره‌ای که هر محلی ساعت محلی دقیق خودش را دارد، در بیست و چهار ساعت، چند ساعت محلی داریم؟ بیست و چهار ساعت محلی داریم. خُب اگر ساعت، محلی است، اگر بخواهیم یک ساعت واحدی برای این محل ها قرار بدهیم، راهی ندارید مگر همانی که یک نصف النهار قرار بدهیم که مواعده بر طبق ساعت آن جا بشود. چرا؟ چون همه محل‌ها برای خودشان نفسیت دارند و برای خودشان ساعت دارند و در افق خودشان هم احکام خودشان جاری است. خُب اگر به این صورت است، وقتی بخواهیم به ساعت واحد برگردانیم باید چه کار کنیم؟ در این جلساتی که گذشت عرض کردم در وقایعی که با هم مرتبط هستند و می‌خواهند با هم به کاری اقدام کنند، چاره‌ای ندارید یک ساعت داشته باشیم. خُب این ساعت برای کجا است؟ خُب به مناسبت‌های مختلف قرارداد می‌کنیم ای به تکوینی بر می‌گردیم که خداوند متعال در دحو الارض قرار داده که برای خودش أَوَّلیّت و أُولویت برای خودش دارد.

خُب وقتی ساعت واحد شد، الآن می‌خواهیم روز هفته را تعیین کنیم، بعد هم روز ـ ماه و بعد هم برج سال را تعیین کنیم. وقتی شما ساعت محلی را به شخصی برگردانیدی، الآن که می‌گویید ساعت دوازده است، یعنی دوازده همان نصف النهار. وقتی هم بخواهید در این فضا بیایید روز هفته معین می کنید، روز هفته یعنی روز هفته ای برای همان خط نصف النهار. حالا می‌خواهیم مشکل افحشیت که اینجا داشتیم را بیان کنیم. اگر یک خط نصف النهار است و برای آن جا ساعت محلی فرض گرفتیم، این یک خط ـ نصف النهار، یک ساعت دوازده نصف شب دارد –روی حساب اینکه از نصف شب شروع کنیم- یکی هم زوال دارد. ساعت او را که در نظر می‌گیری با سائر ساعات محلی متفاوت می‌شوند و باید با هم تنظیم کنیم. چاره‌ای از این نیست. در روز چطور؟

اینجا خیلی دقت بفرمایید. اگر نگاه ما فقط به محل باشد، هر محلی برای خودش نسبت به ساعت خودش و طلوع و غروب خودش، می‌تواند شنبه و یک شنبه داشته باشد. کاری هم به جای دیگر ندارید. این از ناحیه تقویم روز و هفته محلی محض. اما اگر بخواهیم کل بگوییم امروز روز یک شنبه است، خُب بعضی از جاها که شب است، بعضی از جاها که روز است، چطور بگوییم امروز روز یک شنبه است؟ راهش چیست؟ ما از طریق ساعت، به روز هفته می‌رسیم. همین جوری اگر ابتدا به ساکن سراغ روز هفته برویم، همینجا می‌مانیم. می‌گوییم امروز یک شنبه است، خُب امروز که بعضی از جاها شب است! از کجا می‌خواهی شروع کنی؟! تا ساعت نداشته باشیم، یک شنبه هم نداریم. خلاصه روز یک شنبه اول دارد و پایان دارد؛ اولش نیمه شب تا نیمه شب، یا اولش طلوع تا طلوع، غروب تا غروب، زوال تا زوال است. همان هایی که مرحوم مجلسی فرمودند. ولی تا ساعت

ندا‌شته با‌شی‌م، روز واحد یک شنبه ندا‌ری‌م. ساعت واحد از نصف النهار واحد آمد. از ساعت واحد روز واحد در می‌آید. حالا در اینجا به عقب برگردی‌م.

اگر از ساعت واحد، روز واحد در آوردی‌م، لازمه آن روز واحد این است که وقتی به آن خط زمان این نصف النهار می‌رسید این طرفش یک شنبه است و این طرفش شنبه است. وقتی به نصف شب ِخط واحد ِیک نصف النهار می‌رسید، چاره‌ای ندا‌ری‌د که این طرف خط شنبه با‌شد و این طرفش یک شنبه.

خُب چه چیزی را سم ِساعت شد؟ نصف النهار. خط نصف النهار ساعت را به دست ما می‌دهد. نصفش که آن طرف بود، برچسب یک شنبه و دوشنبه به ما می‌دهد. اگر همینجا برای ما واضح شود، بقیه اش هم می‌توانی‌م واضح کنی‌م. الآن در کره با فرض یک نصف النهار، از نوعیت ان‌چار هستی‌د ای نه؟ امروز یک شنبه است ای دوشنبه است؟

شاگرد: اگر روز محلی بگویی‌د نمی‌شود.

استاد: اگر محلی بگویی‌د نمی‌شود. اگر برای نصف النهار واحد می‌گویی‌د، می‌گویی‌د: به خط زمان برو، این طرفش یک شنبه است، آن طرفش که دوشنبه است! نه، برای او امروز یک شنبه است. چون از ساعت شروع کردی‌م و به‌عنوان بیست و چهار ساعت، این شبانه‌روز برای او یک شنبه است. اینکه دیگر دوشنبه نیست. خُب پس چرا می‌گویی‌د این طرف و آن طرف خط زمان یک شنبه و دوشنبه است؟ اینجا دارد بین ساعت محلی و ساعت شخصی تلفیقی صورت می‌گیرد. شما می‌گویی‌د این طرفش یک شنبه است و آن طرفش دوشنبه است. خُب بله، وقتی در آن نقاط کنار خط مرزی قاطن بشوی‌د، در محل شما یک شنبه می‌شود. در محل شما دوشنبه می‌شود. اما برای محلی که قاطن بود و نصف النهار آن جا می‌زان شد، امروز دیگر یک شنبه است. در اینجا دیگر از تلفیق بیرون آمدی‌م. وقتی با نصف النهار واحد سراغ ساعت واحد جهانی رفتی‌م، از ساعت واحد جهانی سراغ این رفتی‌م و گفتی‌م کل این بیست و چهار ساعت برای این نصف النهار واحد روز یک شنبه است،. الآن هم در دنیا همینطور است. ساعت هایی که در فرودگاه می‌بینی‌د، در خیلی از هتل ها دو ساعت هست. آن ساعتی که ساعت جهانی را نشان می‌دهد، وقتی دور می‌زند ممکن نیست جایی برسد بگویی‌د: یک شنبه است ای دوشنبه است؟ همه بیست و چهار ساعتش یک شنبه است. بله، وقتی دو ساعت است، یک ساعتش دوشنبه را نشان می‌دهد ولی آن ساعت جهانی دارد یک شنبه را نشان می‌دهد. این مانعی ندارد. دو ساعت است. تقویمی یک ساعت می‌گویی دوشنبه ساعت فلان و ... . پس وقتی شما نصف النهار واحد را در نظر گرفتی‌د، ساعت‌های شما ساعت‌های یک تقویمی روز است. ساعت دوازده و یکی، همه برای روز یک شنبه است. چون از طریق نصف النهار واحد، به ساعت ِبیست و چهار ساعتی ِیک روز واحد آمدی‌د و در تقویمی یک روز معین شد. حالا دیگر شما یک شنبه‌های غیر متداخل دارید. یک شنبه‌های دارید که ساعتش با یک شنبه بودنش جوش خورده است. اما اگر سراغ محلی ها بروی‌د، اینطور نیست. شما تا می‌گویی‌د ساعت یازده است، می‌گویی‌د یازده دوشنب کجا یک جا ساعت یازده یک شنبه است و یک جا ساعت یازده دوشنبه است. چرا؟ چون محلی نگاه کردی‌د.

روی این فضا است که عرض می‌کنم وقتی شما این‌چنین نگاه کنی‌د، [مشکل نوعیت حل می‌شود]. در حد ادله اثباتیه هم خدمت آقا عرض کردم که ما مشکلی ندا‌ری‌م. ولی برای نظم دادن و برچسبی که روی قوس قمر می‌زنی‌م، اینها اهمیت دارد. در روز یک شنبه برای نصف النهار واحد بیست و چهار ساعتی دا‌ری‌م که از حیث ساعت روشن است. شخصی هم هست و نقطه اول و آخرش هم معلوم است. این نقطه را بر می‌دارید و روی جایی می‌گذارید که قمر می‌رود. می‌گویی‌د مرکز قمر در این نقطه بود، روز آن نصف النهار آغاز شد. مثلاً اگر نصفه ی شب می‌زان بود می‌گویی‌د نصف شب آن نصف النهار بود و قمر در این نقطه بود، تا بیست و چهار ساعت بعد بروی‌د و دقیقاً این فاصله را برچسب می‌زنی‌م. می‌گویی‌م این بیست و چهار ساعت، یک شنبه است. چرا؟ چون شخصی است. برای آن نصف النهار واحد است.

خُب حالا وقتی پشت آن نصف النهار روز میروید، آن جا الآن نسبت به این طرف و آن طرف خط، یک شنبه و دوشنبه را میگویید ولی نسبت به ساعتی که شما گفتید آن ساعت برای شما راسم یک شنبه بوده مشکلی ندارید. الآن روز یک شنبه ساعت کذا، برای همین دو نقطه هم باز مشترک هستند. یعنی چه این طرف خط باشد و چه آن طرف خط باشید، آن ساعت واحد برای این طرف و آن طرف یکی است. تقویمش هم یکی است. بگویید خُب این طرف که روز دوشنبه بود؟! میگویید نه، دوشنبه محلی بود. باز برای همان هم روی تقویم واحد یکی حساب میشود. این برای نکتهای بود که در واحد کار داریم. ولذا اگر محل را با واحد تلفیق کنیم، دوباره همین ها پیش میآید.

شاگرد: مشکل شخصی و نوعی حل نشد. ما بهدنبال میقاتیت بودیم. الآن در دو منطقهای که نزدیک هم هستند، آنها عید فطر دارند و برای اینها ماه مبارک است. ولو شخصی هم باشد میقاتیت را دارید اعتباری حل میکنید.

استاد: ببینید یک شنبه ما دیگر محلی نشد.

شاگرد: دو محلی که نزدیک هم هستند، یکی عید فطر است ؟! .

استاد: بله دیگه، محلی آنها دوشنبه است، ولی همان دوشنبه محلی آنها الآن یک شنبه واحد جهانی است. یعنی اگر تقویم های محلی را یک دفعه کنار بگذاریم و همه از تقویم واحد اسم ببرند، میگویند امروز یک شنبه است. نکته این است. وقتی تلفیق میکنید، درست میگویید؛ میگویید این یک شنبه است و دیگری دوشنبه است. اما اگر ساعتهای محلی را کلاً بردارید، ساعتی که آن طرف خط میگفت ساعتت را عوض کن و دوشنبه کن، این ساعتهای محلی را بردارید. فقط جهانی بگویید؛ لذا وقتی آن طرف خط هم بروید با اینکه شب است ولی میگویید الآن ساعت یازده صبح روز یک شنبه است.

شاگرد: الآن استیحاشی که عرف دارد که یک شنبه را آنها عید گرفته اند؛ یعنی به روز هفته است یا روز واحد است؟ فقط اسم عوض شده

شاگرد۲: یک لازم باطل دیگری هم دارد. آن طرف خط زمانیکه دقیقاً عوض میشود، شب جمعه است. یعنی یک شب جمعهای هست که در یک منطقهای یک دفعه پنج شنبه میشود و یک دفعه جمعه میشود. یعنی شب جمعهای که ارتکازاً از غروب تا دم سحر است، یک دفعه خط زمان تأثیر میگذارد و در یک شب، دو شب خواهیم داشت. چون روز براساس ساعتی که خط زمانی دارد ترسیم شده، وقتی اینجا از زوال در شد، آن طرف هم روزش عوض میشود. لذا اینکه در یک شب، دو شب جمعه داشته باشیم خلاف ارتکاز است.

شاگرد: ساعت جهانی و محلی را تلفیق فرمودید.

استاد: لذا در جلسه قبل گفتم: از ساعت واحد جهانی، سراغ یک شنبه واحد جهانی رفتیم. از آن سراغ اول ماه رفتیم و از آن سراغ اول برج رفتیم، محلی ها را کنار گذاشتیم. الآن برای فروردین مثال میزنم. شما میخواهید بگویید یک شنبه برای کل کره اول فروردین است. چه کار میکنید؟ یک شنبه کل کره، فروردین است. باید یک میزانی برای لحظه حلول به برج حمل قرار بدهید. حالا میگویید نصف النهار تهران، خُب این محل تهران میشود. اما اگر گرینویچ قرار دادید، میگویید ساعتهای محلی را برداشتیم. الآن نگاه کن ساعت جهانی چند است. اگر قبل از دوازده است، امروز تقویم کل کره اول فروردین است. میگویید تهران که بعد از ظهر بود؟! میگویید این دیگر کنار رفت؛ محل دیگر کنار رفت. اگر تهران میزان بود، امروز روز دوم میشد؛ ای با کل یک روز تفاوت میشد. چون محل تهران و سائر محلهها را برداشتید، [یک ساعت میشود]. لازمه آن چیست؟ شما میگویید الآن ساعت چند است؟ میگویید ساعت یازده صبح یک شنبه است. و حال آنکه وقتی شما نگاه میکنید میگویید شب است. خُب چطور من قبول کنم ساعت یازده صبح یک شنبه

است؟! چرا نمی‌پذیرند؟ به این خاطر که دارند محلی فکر می‌کنند. هنوز دارند محلی فکر می‌کنند و می‌گویند شب من است. کما این‌که اگر ادله اثباتیه می‌گوید روزه بگیر، عینِ روزه روز خودت را بگیر. صبح و طلوع خودت را روزه بگیر؛ که گفتم به اندازه ضرورت به آن‌ها عمل می‌کنیم.

شاگرد: فرض بگیریم تحویل شمس به برج حمل قبل از زوال است، ساعت ده صبح گرینویچ این اتفاق می‌افتد. این یک شنبه می‌شود. خُب تقویم می‌گوید یک شنبه روز یک فروردین است. این یک شنبه قبل از تحویل برج حمل شروع شده و آن‌ها هم عید می‌گیرند. آن‌ها دیگر کاری به تحویل شمس ندارند. می‌گویند یک شنبه ما است و عید است.

استاد: ببینی آن جا ساعت ازده آن‌ها است ولی در تهران بعد از ظهر ما است. حالا لحظه تحویل می‌شود، اگر ما خودمان محلی بودیم، بعد از ظهر که می‌شد می‌گفتیم فردا اول فروردین است. ولی چون می‌زان ما جهانی شد و الآن قبل از زوال او است، می‌گوییم همین امروز ولو بعد از ظهر ما سال تحویل شد، همین امروز را از صبح، روز اول فروردین می‌گیریم.

شاگرد: بالأخره در آن تقویم جهانی در محل، روز و هفته که داریم. امروز بالأخره یک شنبه یا دوشنبه است. روز اول عید در گرینویچ یک شنبه است، ما هم که در قم هستیم تقویم ما معلوم است. آن جا چون یک شنبه است، آن را در تقویم خودم تطبیق می‌دهم و می‌گویم پس یک شنبه من هم عید است. دیگر کاری به آسمان ندارم که چه می‌شود. می‌گویم یک شنبه من عید است، حالا چه تحویل شده باشد یا نه.

استاد: دیگر یک شنبه من نداریم.

شاگرد: عرض من این است که الان تقویم جهانی با تقویم محلی تطبیق پیدا می‌کند. این‌طور نیست کسی که شبش است بگوید روز است. می‌گوید روز یک شنبه من معلوم است، در گرینویچ هم معلوم است چه زمانی است. ولو متفاوت هم باشند. مثلاً من زودتر به دوشنبه می‌روم. محاسبه می‌کنیم و می‌گوییم اگر یک شنبه گرینویچ عید بود، پس برای هر جایی یک شنبه عید است.

شاگرد۲: نه، این‌طور نیست. اگر الآن دوشنبه من باشد، دوشنبه من عید می‌شود.

شاگرد: هر تقویمی را ببینید، می‌گوید یک شنبه فلان اتفاق افتاده است. کسی که می‌خواهد جشن بگیرد نمی‌گوید دوشنبه را جشن می‌گیرم.

شاگرد۲: الان غالباً محلی می‌گویند. مثلاً می‌گویند الآن در آمریکا یک شنبه است، ولی ما دوشنبه هستیم. ولی اگر بحث را جهانی کنند، اگر بگویند یک شنبه است، دیگر یک شنبه است، کاری نداریم که دوشنبه ما است.

شاگرد: مثلاً شب کریسمس یک شنبه این هفته است. آن طرف کره زمین می‌گویند ما دوشنبه می‌گیریم؟

استاد: یک شنبه جهانی یا یک شنبه محل خودشان؟

شاگرد: یک شنبه جهانی را روی تقویم محلی خودشان تطبیق نمی‌دهند؟

بازبینی #2
ایجاد شده 24 ژانویه 2026 14:54:20 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 ژانویه 2026 14:55:51 توسط ... .